

بندش است...
 چقدر آرامش بخش انگار هیچ غم و غصه دیگری وجود ندارد برای کسی که بنده این خدا باشد...

بندش است...
 چقدر آرامش بخش انگار هیچ غم و غصه دیگری وجود ندارد برای کسی که بنده این خدا باشد...

علم بهتر است یا عبادت
 به شوخی می‌گویند: «علم در مقابل ثواب در مقابل بازی و ایهترت هم کم می‌آورد» بی‌شک...

بندش است...
 چقدر آرامش بخش انگار هیچ غم و غصه دیگری وجود ندارد برای کسی که بنده این خدا باشد...

کفایت خوارستن این خوره صغیری
 حال ندارد از جایش تکان بخورد این دهن می‌خواهد کارش را راه بی همه خسته‌گفته از اسب‌ها و شون و آب و غذایی خوردند راه رفتن نداشت. اما باید فکر کردند که پیای برکنه که در شرفش به سوی جای د بازشات شدند. گفتند: «ای خوره صغیری این کار را برایت...»

بندش است...
 چقدر آرامش بخش انگار هیچ غم و غصه دیگری وجود ندارد برای کسی که بنده این خدا باشد...

معاذیر الشیخ و کونوا لئلا تکونوا علیها قنیبا
 در حالی که امیرالمؤمنین...
 و الله لا ین فی ظلم...

بندش است...
 چقدر آرامش بخش انگار هیچ غم و غصه دیگری وجود ندارد برای کسی که بنده این خدا باشد...

چهار کلام ناب از قرآن و اهل بیت علیهم السلام

بزرگوار
 در حالی که امیرالمؤمنین...
 و الله لا ین فی ظلم...

**برگرفته از بسته‌های هفتگی
 تا بلو اعلانات مدرسه نما**

بندش است...
 چقدر آرامش بخش انگار هیچ غم و غصه دیگری وجود ندارد برای کسی که بنده این خدا باشد...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قدرت پوشالی

به ظاهر اگر باشد، دشمنان در اوج اقتدار و قوت اند و اسلام و مسلمانان در اوج ضعف و ناتوانی. آن قدر که تبلیغات چپ‌ها می‌گویند اگر مسلمانان با دشمنان در بیفتند، نابود می‌شوند!

پس هر ظاهرینی حکم می‌کند که در این شرایط، نباید سر به سر اهل کفر بگذارند و بل، باید در مقابل قلدری‌ها و گزافه‌گویی‌هایشان سرتسلیم فرود آورند.

اما حقیقت این است که اگر کسی به خدا وصل شد، دیگر قدرت پوشالی بی‌خدایان برایش ناچیز می‌شود و به جای دیدن این ظواهر، کیفیت کارهای خدایی را می‌نگرد و بر اساس آن تصمیم می‌گیرد. پس باید دید که خدا با مستکبرین چگونه رفتار می‌کند و چگونه آنان را - اگر چه دارای قوی‌ترین سپاه باشند - با کوچک‌ترین سلاح نابود می‌کند!

يَسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
**أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)
 تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّا كُولٍ (۵)**

آیا ندیدی که پروردگارت با آن فیل سواران چگونه رفتار کرد؟ (۱) آیا ترفندشان را در بیراهه قرار نداد و بی اثر ساخت؟

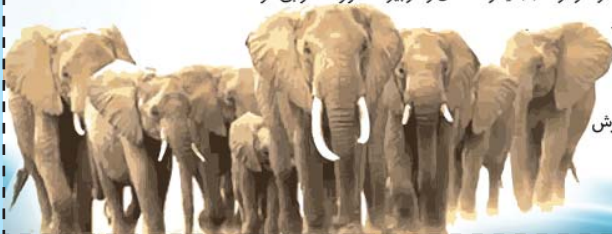
(۲) و بر بالای سرشان فوج فوج پرندگان فرستاد.

(۳) پرندگانی که بر آنان سنگ‌هایی از سجیل

می‌افکندند (۴) بدین گونه، خداوند جانشان را

گرفت و آنان را همچون پوسته‌ای ساخت که مغزش

خورده شده باشد. (۵)



کلید زشتی‌ها

هر چه حرف زشت و کاربرد می‌شناسید را تصور کنید. نه، اصلاً تصور نکنید که تصورش هم روح انسان را مکدر می‌کند! بعضی از این بدی‌ها آن قدر کثیف و ناپاک است که صاحب آن صدها سال از بهشت و بوی بهشت محروم می‌شود. پس اگر حقیقت این بدی‌ها را کنار هم بگذارند، شاید بین هر کدام شان کیلومترها فاصله بیفتد.

به فرض که بتوان همه این‌ها را با هم جمع کرد، عجب فضای بزرگی می‌شود! مسلماً باید برای چنین فضایی درهای مختلفی در نظر گرفت و برای هر در هم قفل‌های متعدد. حالا برویم سراغ دسته کلیدی که این همه کلید را بتواند جمع کند. از کلیدهای خزانه قارون - که به حکم قرآن چندین مرد نیرومند به سختی آن را حمل می‌کردند - هم بیشتر می‌شود که خود این کلیدها را باید در یک اتاق گذاشت و طبیعتاً این اتاق آخر هم کلیدی خواهد داشت که کلید همه «کلیدهای زشتی‌ها» است. اما

اسم آن کلید چیست؟

جَعَلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جَعَلَ مِفْتَاحَهُ الْكُذْبُ.

امام حسن عسکری علیه السلام: تمام پلیدی‌ها در خانه ای قرار داده شده و کلید آن دروغ‌گویی است. بله، دروغ! پس خیلی راحت می‌توان نتیجه گرفت که هر کس دروغ بگوید، خودش را به اتاق زشتی‌ها نزدیک کرده است... غیبت، تهمت، تمسخر، نگاه حرام... نه اصلاً تصور نکنید که تصورش هم روح انسان را مکدر می‌کند!



اهل بیت



(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷)

مودی مرموز



بای شبرضرا

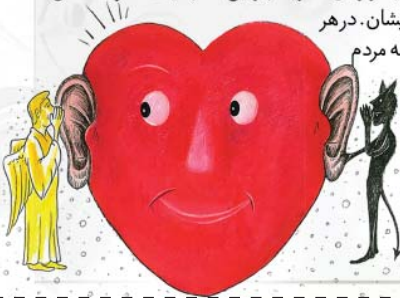
این که انسان ها زیاد با خودشان کشتی می گیرند، درد همیشه تاریخ بوده است. جالب است که معمولا هم انسان در مقابل خودش مغلوب می شود! نشانه اش هم این همه پشیمانی و ندامت است که همه مان تقریبا هر روز تجربه اش می کنیم. این چه معضلی است؟ درد چیست و درمان کجاست؟ چگونه باید با این مودی مرموز مقابله کرد؟ هر کس جوابی دارد و پاسخی می دهد. اما هر کدام اگرچه ممکن است برای مدتی موقت مرهمی به این زخم ناشناخته باشد ولی راه حل اساسی نخواهد بود. پس چه باید کرد؟ در این بازار راه کارفروشی، به حرف چه کسی باید اعتماد کرد؟ خدای مسلمانان به پیامبر مسلمانان دستور می دهد که به مسلمانان - و البته غیر مسلمانان - یک راه و بلکه شاه راه معرفی کند. این راه دو بخش دارد:

اول آن که این دشمن نامرئی را خوب بشناسید. همان وسوسه گر نامردی که به دروغ شر خودش را در ظاهر خیر و خوبی مخفی می کند و روزی هزار بار فریب مان می دهد.

و دوم این که شما با همه ادعاهایتان مرد مبارزه با این عدوی عنود نیستید و راهی ندارید جز این که به یک قدرت مطلق پناه ببرید. چه آن قدرت پروردگار مردم باشد، چه فرمانروای آنان و چه معبود ایشان. در هر حال، دشمن سرسخت است و تنها راه مبارزه اش پناه بردن به رب، ملک و اله مردم است. این شاه راه نه تنها برای مردم، بلکه برای خود پیامبر هم بهترین راه است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ
الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)



امانت داری

اهل بیت

همه اديان مقدس الهی، خصوصاً اسلام در تقویت این صفت نیک توصیه‌های فراوان کرده اند. قرآن مجید می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^۱

همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهل آن بدهید.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان الله عزوجل لم يبعث نبياً الا بصدق الحديث واداء الامانة الى البر والفاجر»^۲

خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخته، جز به راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: سوگند می‌خورم که لحظه‌ای قبل از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله

سه بار از او شنیدم که فرمود:

«يا ابا الحسن اد الامانة الى البر والفاجر فيما قل و جل حتى في الخيط والمخيط»^۳

ای علی! امانت را به نیکوکار و بدکار پس بده، کم باشد یا زیاد، حتی
نخ و سوزن.

یرگرفته از سخنان حجت‌الاسلام و المسلمین محسن قرائتی



۱. (نساء، آیه ۵۸)
۲. (اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵)
۳. (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۷۵)

برخورد با گردن کلفت‌ها

حال آدم بد می‌شود از آدم‌هایی که وقتی به یک گردن کلفت می‌رسند، مثل موش کوچک می‌شوند اما وقتی به آدم‌های صاف و ساده می‌رسند، خودشان شیر می‌شوند و عین گردن کلفت‌ها برخورد می‌کنند. این یعنی که این آدم‌ها خیلی «ذلیل» هستند و این قاعده قرآنی را باور نکرده‌اند:

إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً یعنی همه عزت پیش خداست.

بله، عزت را باید در کربلا دید که امام حسین و یاران‌شان اگرچه ظاهراً در ضعف بودند، ولی حاضر نشدند در مقابل گردن کلفت‌ها کوتاه بیایند و حتی مذاکره کنند. برای همین هم شعار یاران امام حسین همیشه این بوده است:

هیئات منا الذله! یعنی محال است که ما ذلیل شویم!

حالا معلوم می‌شود که کدام یک از ما ذلیل است و کدام یک عزیز!





اهل بیت

بی خود عصبانی نشو!

آدم تعصبی قبل از این که فکر کند، قضاوت می‌کند. مثل کسی که چیز ناراحت‌کننده‌ای دیده، اما به جای حل کردن مساله، عصبانی می‌شود و می‌خواهد با خشم کار را درست کند. غافل از این که خراب‌تر می‌شود...

از رسول الله موعظه خواست. پیامبر در یک کلام فرمود:

لَا تَغْضَبْ

(بی خود) عصبانی نشو.



با خود گفت: «حرف مهمی است. همین جمله ناب برای من بس است.» وقتی باژگشت، دید قبیله‌اش با قبیله دیگر درگیر شده و آتش جنگ بالا کشیده است. عصبانی شد و لباس جنگ پوشید. ناگاه به یاد موعظه پیامبر افتاد. سلاح را انداخت و به سمت قبیله دشمن رفت. شروع به صحبت کرد و گفت: جنگ فایده ندارد. اگر اشکال از قبیله ماست، من همه هزینه آن را می‌دهم.» تعجب کردند. گفتند: «ما از او کمتر نیستیم.» این شد که همه سلاح انداختند و آشتی کردند.



یه جمله جادویی

اگه به ما بگن ، با این جمله می تونی روی آب راه بری ،
فکر می کنیم یه جمله جادویییه و با هیجان می ریم دنبالش .
اما وقتی خود جمله رو می بینیم ، می گیم : «ای بابا ، این
که همونیه که از بچگی بلد بودیم!»
غافل از این که ارزش این جمله خیلی بیشتر از این
حرفاس ، چون تفاوت ما رو با حیوونا مشخص می کنه !
بله ، فرق آدم با حیوون اینه که حیوون فقط به فکر زندگی
دنیاپیشه ، اما آدم خودش رابه خدا وصل می کنه .
چه جوری ؟ با این جمله :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسته ، آدم با «بسم الله» مَهر خدا رو می زنه
رو خودش و رو کاراش . اون وقته که می تونه معجزه کنه !



یک شروع خوب، یک پایان عالی

مدرسه
Business Home II



دیدید بعضی وقت‌ها خودت رو می‌کشی که بتونی یه کاری رو انجام بدی، اما آخرش کاره درست نمی‌شه؟ مثل وقتی که با بچه‌ها بازی می‌کنی ولی آخرش با دعوا و ناراحتی تموم می‌شه؛ یا می‌خواهی مشقات رو خوشگل بنویسی و کلی زحمت می‌کشی، اما اون جووری که می‌خواهی نمی‌شه؟!

شاید به خاطر اینه که نمی‌دونی پایان خوب، شروع خوب لازم داره. یعنی چی؟ یعنی هر کاری که با «بسم الله» شروع نشه، ایترو ناتمام می‌شه!



«كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُدْرِكُ بِسْمِ اللَّهِ فِيهِ فَهُوَ أَتَمُّ»

یعنی: هر کاری مهمی که در آن اسم خدا یاد نشود، ناتمام می‌ماند.

پس از این به بعد تو همه کارهامون «بسم الله» رو فراموش نمی‌کنیم؛ بسم الله.



بای سبزه

خطرناک برای دشمنان

آمریکایی‌ها حاضرند هر چه پول دارند بدهند تا بعضی آیات قرآن حذف شود. اصلا می‌ترسند از این آیات، بد جور! کدام آیات؟ آیات جهاد. همان آیاتی که خدا به ما دستور داده با کفار بجنگیم. کدام کفار؟ آن‌ها که سردمداری و رهبری کفر را به عهده دارند:

فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ

یعنی باید با رهبران کفر بجنگید!

حالا دیدید «دشمنی با استکبار» از خود قرآن است؟ پس تا خدا خداست و قرآن هدایتگر است و کافران دشمنی می‌کنند، در مقابل شان می‌ایستیم تا نابود شوند، ان شاء الله.



شهر امروز



اهل بیت

آهای اونایی که دهه اول محرم خوب
عزاداری کردید و محبت تون رو به امام حسین نشون دادید،
وقتشه این کار بزرگتون رو تموم کنید و یه سرباز واقعی برای
امام تون بشید! چه جوری؟ بادشمنی! عجیبه؟ نکنه فکر می کردید
که یار امام بودن فقط با دوست داشتنه؟ نه خیر! دوست داشتن فقط یه
روی سکه است. اون روی سکه دشمنیه؛ دشمنی با دشمنان اهل بیت.

یا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ اِنِّی سَلَمْتُ لِمَنْ سَلَمَ کُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَ کُمْ اِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ

یعنی ای امام حسین، من در صلح با کسی که با شما در صلح است
و در جنگ با هر کس که با شما در جنگ است تارو قیامت
دیدید! پس باید «یا علی» بگید و دشمنی با دشمنای اهل بیت رو جدی تر
کنید. همه مون هم می دونیم که تو زمونه ما دشمنی بزرگ تر از آمریکا
وجود نداره. به قول شهید مطهری «شهر امروز» آمریکا است. راستی ۱۳
آبان زمان خیلی مناسبیه، از دستش ندیم.

مرگ بر یزید و شهر

مرگ بر آمریکا



ماست مالی ممنوع!

«فقط کافیه تو کوتاه بیای، تا همه چیز درست بشه» اینو کی می‌گه؟ رقیب و بلکه دشمن تو! حالا از چی باید کوتاه بیای؟ از هر چی که بهش اعتقاد داری. یعنی تو از همه چیزت بگذری، تا او هم مثلاً کوتاه بیاد:

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (قلم، ۱)

یعنی: آنان دوست دارند که تو در کار دین خود کوتاهی کنی، در این صورت آنان هم در دین خود مسامحه می‌کنند.

خب خوبه یا بد؟ معلومه که بد! چرا؟ چون دروغ می‌گه. یعنی ممکنه تو کوتاه بیای، ولی تازه وقتی تو کوتاه می‌ای، او شروع می‌کنه به زیرآبی رفتن. اون وقت کی ضرر می‌کنه؟ معلومه که تو! پس از همین اول اینو آویزه گوش ت کن:
ماست مالی ممنوع!





اصول سبک

خواب چه وقتی؟

فشار کار که زیاد می‌شه، آدم لحظه شماری می‌کنه که هر چه زودتر کار تموم بشه و بره استراحت کنه. اما بعضیا هستند که در چنین شرایطی قبل از این که کار تموم بشه، می‌پنجنند و می‌رن لالا می‌کنند! ای بابا، **خب اگه تو بخوابی، فشار کار که کم نمی‌شه!** حالا فرض کنید دشمن حمله کرده و داره بد جوری فشار میاره، این جور آدم‌چی کار می‌کنند؟ می‌رن می‌خوابن! غافل از این که:

مَنْ نَامَ لَمْ يُتَمَّ عَنَّهُ

یعنی: هر کس (از دشمن آسوده) بخوابد (دشمن نسبت به او) نخواهد خوابید.

تا حالا فکر کردید چقدر از مردم خوابن؟ نکنه خیال می‌کنن دشمن ندارن؟ دیدن دشمن که خیلی سخت نیست. کافیه کمی اخبار آمریکا و اسرائیل رو ببینن!





بای مشرفدا

مشق امشبِ خدا

اگر مشق کلاس اول دبستان به اندازه اول دبیرستان باشد، خیلی ناعادلانه می شود. چون قدرت فکری و جسمی دانش آموز دبستانی و دبیرستانی خیلی با هم فرق دارد. حالا خدا می خواهد به ما مشق دهد. می دانی مقدارش چقدر است؟

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

یعنی خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند (بقره / ۲۸۶)



اما خیال نکنی که پس حال می توانی به جای مشق خودت، مشق اول دبستانی ها را بنویسی و بگویی که خدا سخت نگرفته؛ نه، خدا سخت نمی گیرد ولی از تو می خواهد که ظرف قدرتت را بزرگ کنی، خیلی بزرگ. اصلاً مشق خدا همین است: کوچک نما، خودت را بزرگ کن!



اهل بیت

خودکارت را بردار

معلم دارد حرف می زند، دانش آموز بروبر نگاهش
می کند معلم پای تخته می نویسد، باز هم او بروبر نگاه
می کند. ای بابا! خب تو هم خودکاری یا مدادی بردار و شروع کن
به نوشتن، اگر می خواهی علمت ماندگار باشد:

قَبِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ

پیامبر اعظم (ﷺ) فرمودند: علم را با نوشتن به بند بکشید.
می گوید حفظ می کنم. بله، حفظ هم خوب است ولی ماندگار نیست.
اصلاً از قدیم گفته اند: «هرچی نوشتی می مونه، هرچی حفظ
کردی می پره!»



تمام نمی شود



بای سبزه فردا

با اعتراض می پرسد: «آدم در بهشت حوصله اش سر می رود! مگر چقدر می توانیم بخوریم و بخوابیم در بهشت؟» باورش نمی شود که بعضی لذت ها نه تنها تمام نمی شود، بلکه هر لحظه شیرینی اش بیش تر می شود. کافی ست در همین دنیا لذت های معنوی را بچشد تا خوب بفهمد شیرین تر شدن لذت را. مثلا همین ها را که کربلا رفته اند، نگاه کنید. به یک بار و دوبار قانع نمی شوند. نمونه اش پیاده روی اربعین است که هر سال پررونق تر از قبل است.

حالا می فهمیم که چرا خدا به عنوان یک نعمت شیرین برای مومنان، می فرماید:

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى

آنان را که هدایت یافتند، (خدا)

بر هدایت شان افزود.

انگارشیرینی هدایت از همه شیرینی ها بیش تر و تمام نشدنی تر است!





اهل بیت

حج نرفته‌ها، بسم الله!

دل همه ما پر است از دست آل سعود ملعون. دل مان می‌خواهد با دل درست و بدون حضور این ناپاک‌ها، برویم زیارت خانه خدا. اما حالا که نمی‌شود، فکر نکنیم که دیگر وظیفه‌ای نداریم. نه، وظیفه‌ای مهم به گردن تک تک ماست:

إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَاجِبَةٌ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ

همانا زیارت قبر امام حسین علیه السلام بر مردان و زنان واجب است. آن‌ها که از هر نعمتی محروم بوده‌اند، از این یکی غافل نشوند که اگر به این بچسبند، همه نعمت‌ها را به دست آورده‌اند، چه پول باشد و مادیات، چه عشق باشد و معنویات. این را خودشان قول داده‌اند، مطمئن باشیم.



بای سرفرا

جادوی خوبی‌ها

ثواب‌های

زیادی که برای زیارت

امام حسین (علیه السلام) هست، آن قدر فوق‌العاده است که برخی باور نمی‌کنند یک

عمل به ظاهر ساده چنین نتیجه‌ای داشته باشد. اشکال این افراد آن است

که بقیه چیزهای فوق‌العاده را ندیده‌اند.

مثلاً فرض کن کسی که خدای ناکرده مرتکب گناهی شده، انتظار دارد روز

قیامت در نامه اعمالش آن را ببیند. اما می‌بیند که نه تنها آن گناه نیست، بلکه

جایش ثواب آمده است. به این دلیل که:

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ

یعنی: همانا خوبی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند.

با این اوصاف، آیا باز هم عجیب است که خدا برای زیارت و عرض ادب به بهترین

مخلوقاتش، این قدر پاداش دهد؟

آرم آدم‌ها



اصول سیت

موهای شبیه به تاج خروس یا خارهای خارپشت، برای برخی‌ها خیلی زیباست، چون فلان فوتبالیست از این شکل موها استفاده می‌کند. اصلاً این نوع موها «آرم این آدم‌ها» است. خب هر کس دوست دارد شبیه کسی شود که دوستش دارد. حالا من و تو که بچه شیعه هستیم، چه آرمی داریم؟

امام حسن عسکری (ع) ۵ آرم و نشانه را مشخص کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها زیارت اربعین است:

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ... وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ...

نشانه‌های مومن پنج چیز است... و زیارت اربعین...

خوش به حال آن‌ها که امسال توفیق زیارت اربعین در کربلا را داشته‌اند. اما بقیه هم که نتوانستند، نباید از این آرم غافل شوند. امسال همه‌مان زیارت اربعین می‌خوانیم، نزدیک باشیم یا دور.





بای نبرضا

شخصیت افسانه‌ای واقعی



سوپرمن‌ها را همه می‌شناسند: قهرمانان دروغینی که همه خوبی‌ها را دارند و هیچ ضعف و بدی ندارند. جالب است که هم می‌دانند این‌ها همه‌اش خالی‌بندی است و درعین حال دوست دارند آن‌ها را. چرا؟ چون فطرت انسان خوبی را دوست دارد و از بدی بدش می‌آید.

یکی نیست که بگوید خب بروید به دنبال همان شخصیت، اما واقعی! آن‌کس که به حکم قرآن همه خوبی‌ها را دارد، بدون هیچ بدی:

إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم/۴)

[ای پیامبر،] به راستی که تو خلق و خویی نیکو و والا داری. حالا عجیب نیست که به جای عشق به این شخصیت افسانه‌ای واقعی، مسخره‌اش کنند و به دشمنی با او پردازند؟ چقدر مظلوم است این پیامبر مقتدر!



إِنَّمَا بُعِثُوا لِكَمَالِ الْإِخْلَاقِ

اخلاق نه، مکارم اخلاق

آن‌ها که کمبود محبت دارند، با یک لبخند و گوشه چشم، دلشان پر می‌کشد. این‌گونه افراد همه ارزش‌ها را در «اخلاق» می‌بینند و به بالاتر از آن نمی‌اندیشند. پس در یک کلام «اخلاق» برای کسانی است که دچار کمبود محبت‌اند! مگر بد است؟ بله! چون در اخلاق فقط می‌گویند بخند و اخم نکن، اما در مکارم اخلاق می‌گویند در راه خدا جهاد کن و اهل وفاداری باش. اصلاً همه دستورات دین در راه مکارم اخلاق است نه اخلاق. جان‌ها به قربان پیامبری که فرمود:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

این است و جز این نیست که من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تمام کنم.



خیلی دور، خیلی نزدیک

مرگ و قیامت همیشه ظاهر تلخی دارند. آن قدر که به بزرگ‌ترها می‌گویند درباره این موضوع با بچه‌ها حرف نزنند؛ اما اشتباه می‌کنند. اتفاقاً مرگ اگر درست فهمیده شود، آن قدرها هم بد نیست. به علاوه، آیا کسی هست که بگوید من از قبر و قیامت خیلی فاصله دارم؟ اگر بگوید، بدجوری خطا رفته است، چون که قرآن می‌فرماید:

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

یعنی: و چه می‌دانی؟ شاید لحظه (قیامت) نزدیک باشد! خوب است که ما هم به جای این نگاه غلط، به قیامت فکر کنیم. آن وقت می‌فهمیم که مرگ می‌تواند خیلی هم شیرین باشد. داستان شهدا را که خوانده‌ای؟ داستان سیدالشهدا را چه؟ می‌بینی چقدر شیرین است برایشان مرگ؟

زندگی خوب، مرگ خوب

نی‌نی کوچولوها، وقتی گرسنه یا تشنه می‌شوند، به سینه مادر چنگ می‌زنند و تا سیر نشده‌اند، ول نمی‌کنند. چه اشتیاقی! حالا بعضی از ما به جای این‌که به مرگ شوق داشته باشیم، آن هم مثل کودکان، از آن می‌ترسیم! خنده‌دار است. درحالی‌که امیرالمؤمنین می‌فرماید:



اهل بیت

وَاللّٰهُ لَا يَبْنِيْ اَبِيْ طَالِبٍ اَنْسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِثَدْيِ اُمِّهِ

یعنی به خدا قسم، پسر ابی طالب به مرگ از طفل به سینه مادرش مأنوس‌تر است.

اما یادمان باشد، ما مرگ را به خاطر خودش دوست نداریم، بلکه به خاطر «ملاقات خدا» آن را می‌خواهیم. برای همین هم تلاش می‌کنیم که با زندگی خوب، مرگ خوب داشته باشیم وگرنه معلوم است که هر گناه‌کاری از مرگ و قیامت می‌ترسد!



بهترین تکه کلام

بای سرفرا

بعضی حرف‌ها باید تکه کلام ما شود. نه فقط در مقابل دیگران، بلکه برای خودمان. مثل وقتی که در زندگی به مشکل می‌خوریم، یا حقمان ضایع می‌شود یا نگران مسئله‌ای هستیم. اصلاً همین امتحان‌های درسی که به زودی همه درگیرشان می‌شویم، فرصت خوبی است که این آیه را برای ما ملکه کند:

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ

(زمر، ۳۶) آیا خداوند برای (نجات و دفاع از)

بنده‌اش کافی نیست؟

چقدر آرامش بخش! انگار هیچ غم و غصه دیگری وجود ندارد برای کسی که بنده این خدا باشد...



مدرسه
Madreseh.com



اهل بیت

بددهنی و بی ادبی اصلاً ناراحتش نمی‌کند. هرچه دلش می‌خواهد می‌گوید. تازه بعدش هم می‌گوید کار درستی کرده‌ام! دلیلش هم این است که به «غیرشیعه» فحش و ناسزا گفته است. فکر می‌کند با این کارش اهل بیت خوشحال می‌شوند؛ اما اشتباه می‌کند. چون خودشان از ما چیز دیگری خواسته‌اند:

مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا

امام صادق علیه السلام: ای گروه شیعیان، برای ما زینت باشید و علیه ما مایه زشتی نباشید!

پس معنی ندارد که به بهانه شیعه و سنی یا هر چیز دیگر، به دیگری ناسزا بگوییم. مخصوصاً برای ما که افتخارمان شیعه بودن است و سنی‌ها را برادر خودمان می‌دانیم.

حرف زشت ممنوع

مدرسه
MediaShare



عذرخواهی زیبا، بخشش زیباتر

هنوز اتفاقی نیفتاده، چنان از کوره در می‌رود که طرف مقابلش فرصت عذرخواهی پیدا نمی‌کند... خدمت‌کاری شروع کرد به آب ریختن برای امام سجاد علیه السلام تا امام وضو بگیرد. ناگاه ظرف آب از دستش افتاد و سر امام آسیب دید. تا امام سر خود را بالا گرفت، خدمت‌کار شروع کرد به خواندن کلماتی از قرآن:

وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ، وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران، ۱۳۴)

(تقوایپیشگان کسانی‌اند که) خشم خود را فرو می‌خورند، و از لغزش مردم در می‌گذرند،

(اینان نیکوکارند) و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

تا گفت «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ»، امام فرمود: خشم خود را فرو خوردم. خدمت‌کار ادامه داد: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»، امام فرمود: خدا تو را بخشید. خدمت‌کار

آیه را تمام کرد: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» امام

هم نیکی را به نهایت رساند و فرمود: برو که تو را

در راه خدا آزاد کردم.



بانک اطلاعاتی، طرح، گزارش، مقاله، جزوه، یادداشت، کتاب، پردنگار (پاورپوینت)، ترجمه، صورت‌جلسه، خلاصه کتاب، مصاحبه و...

کمک خواستن بی خود ممنوع!



اهل بیت

حال ندارد از جایش تکان بخورد. تا به چیزی نیاز پیدا می‌کند، از این‌و آن می‌خواهد کارش را راه بیندازند...^۲

همه خسته و کوفته از اسب‌ها و شترها پیاده شدند که جایی ولو شوند و آب و غذایی بخورند و چرتی بزنند. دیگر کسی نای راه رفتن نداشت. اما پیامبر به سوی مرکب بازگشت. اول فکر کردند که پیامبر از آن‌جا خوشش نیامده و باید دوباره راه بیفتند به سوی جای دیگر. اما دیدند رسول خدا برگشته که به شترش رسیدگی کند: پایش را ببندد و غذایش بدهد. ناراحت شدند. گفتند: «ای رسول خدا! چرا ما را فرمان ندادی که این کار را برایت بکنیم؟»

پیامبر فرمود: لَا يَسْتَعِينُ أَحَدُكُمْ مِنْ غَيْرِهِ وَلَوْ بِقَضْمَةِ مِنْ سِوَاكَ.^۲
هرگز از دیگران کمک نخواهید، حتی برای گرفتن یک مسواک.

۲- الامالی (المصدوق)، النص، ص: ۲۰۱

۳- کحل البصر، محدث قمی، ص: ۶۹





امیدوارکننده ترین آیه

اول فکر و بعدا بخوان . کدام آیه قرآن امیدوارکننده تر است ؟ این سوال

را خیلی ها پرسیده اند . خیلی ها هم خیلی جواب ها داده اند ...

«می گوید از امام باقر (ع) پرسیدم : امید بخش ترین آیه قرآن کدام آیه است ؟ حضرت

فرمود : اطرافیان شما چه می گویند ؟ گفتم : آن ها آیه «ای بندگان من که بر خود اسراف

کرده اید ، از رحمت خدا نا امید نباشید .»^۱ را امیدوارکننده ترین آیه می دانند .

حضرت فرمود : اما ما اهل بیت چنین نظری نداریم ... به نظر ما امید بخش ترین آیه

این است :

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى

و پروردگارت آنقدر به تو عطا خواهد کرد که راضی شوی .

آن گاه حضرت قسم خوردند که منظور از این شفاعت است .»^۲

یعنی برای رسیدن به رحمت خدا ، هیچ قید و شرطی جز رضایت

پیامبر مهربانی و رحمت وجود ندارد . بیشتر به این آیات فکر کنیم تا

بیشتر امیدوار شویم .

۱. زمزمه

۲. تفسیر قرات الکرولی ، ص: ۵۷۱

علم بهتر است یا عبادت



اهل بیت

به شوخی می‌گویند: «علم در مقابل ثروت که هیچ،
در مقابل بازی و اینترنت هم کم می‌آورد!» چه شوخی
بی‌مزه‌ای ...



«رسول الله وارد مسجد شد. گروهی نماز می‌خواندند و عبادت می‌کردند.
گروهی دیگر حلقه بحث علمی تشکیل داده بودند و به بحث و وعظ
می‌پرداختند. پیامبر اعظم که از دیدن هر دو گروه خرسند بود، فرمود: «هر دو
دسته کار نیک می‌کنند» سپس به گروه علمی اشاره کرد و فرمود:

هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ بِالْتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ

(اما) این‌ها برترند، من برای تعلیم فرستاده شدم.

سپس آمد و در کنار گروه اهل علم نشست. «
دیگر بالاتر از نماز و عبادت که نداریم! پس دیگر شوخی نکنید؛ ارزش
علم خیلی بالاست، البته علم واقعی!»

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱، ص: ۲۰۶



آیا وقتش نرسیده؟



پای سبز فضا



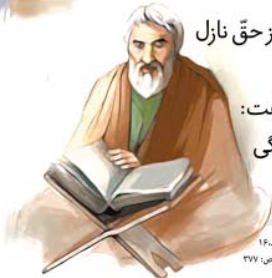
خداى ناکرده گناهی مرتکب شده است: نگاهی حرام یا رفتاری ناپسند! اما به جای این که بازگردد، ناامید می شود و می خواهد اشتباه خود را تکرار کند... ولی بداند که هیچ وقت دیر نیست برای بازگشتن...

کاروانی نبود که غارت نکرده باشد و کسی پیدا نمی شد که از نام او و نوکرانش ترسد. حالا خودش آمده بود بالای دیوار خانه‌ای برای دزدی. معلوم بود که کسی جلودارش نیست مگر صدای قرآنی که به زیبایی تلاوت می شد:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ

آیا وقت آن نرسیده است که دلهای مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟!^۱

به خودش آمد. انگار از درون شکسته باشد. رو کرد به آسمان و گفت: «زمان آن فرار رسیده است.» از آن پس، «فضیل» که به سرکردگی راهزنان مشهور بود، بزرگ نیکوکاران و عابدان روزگار شد.^۲



۱. سوره حدید: ۱۶

۲. رهاورد خرد (ترجمه نصف المقول)، ص: ۳۷۷



گدایی کردن در هر کار دنیایی بد است. چه پول باشد، چه درس. هنوز خودش می تواند، ولی از شدت تنبلی می رود و از این و آن می خواهد...

آن قدر فقر به او فشار آورده بود که به پیشنهاد همسرش تصمیم گرفت نزد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برود و از او کمک بخواهد. اما هنوز چیزی نگفته بود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از ما کمکی بخواهد، به او کمک می کنیم، ولی



اهل بیت

مَنْ اسْتَعْنَى، أَغْنَاهُ اللَّهُ

هر کس (از مردم) بی نیازی بوزد، خدا او را بی نیاز می کند.

برگشت، ولی فشار فقر اجازه نداد بماند. دوباره آمد نزد پیامبر و دوباره همان جواب را شنید. باز هم برگشت و برای بار سوم همان اتفاق تکرار شد. این بار تصمیم گرفت کمر همت بیند و از همان نداری شروع کند. تیشه ای قرض کرد و به صحرا رفت تا هیزم جمع کند. هیزم ها را فروخت و این کار را ادامه داد تا کم کم وضعیتش خوب شد.

مدتی بعد پیامبر را دید. باز هم قبل از این که چیزی بگوید، پیامبر فرمود: «نگفتم هر کس بی نیازی بوزد، خدا او را بی نیاز می کند؟»



ذکر ورود به اینترنت



پی‌نیرضا

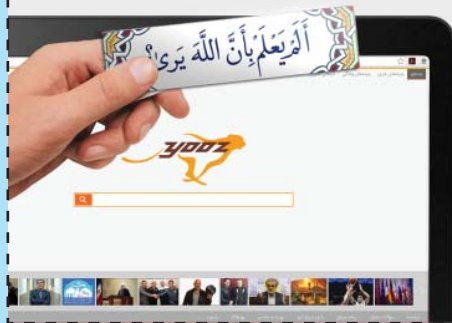
مگه ورود به اینترنت هم ذکر داره؟ نکنه داریم وارد مسجد یا حرم می‌شیم که باید ذکر بگیریم؟ بیشتر فکر کن... شاید در ظاهر هیچ ذکر و وارد نشده باشه، ولی شاید از همه جا بیشتر نیاز به ذکر داشته باشه! چرا؟ چون خطرش خیلی بیشتر از خیلی جاهای دیگه‌س. این جا دیگه ترس از حیوان درنده و زلزله و سیل نیست، ترس از گناه و افتادن تو عذابه. حالا به نظرت کدوم ذکر خوبه؟ بله، ذکر که حواس آدم رو خیلی جمع کنه. و کدوم ذکر بهتر از این آیه؟

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي

مگر نمی‌داند که خدا (او و کارهایش) را

می‌بیند؟

یه پیشنهاد! این آیه رو بنویسیم و روی رایانه هامون بچسبونیم... مطمئن باشیم خدا کممون می‌کنه.





اهل بیت

خدا دوست ندارد که بندهاش را بین یارانش متفاوت ببیند.

کافیست به او بگویند تو رئیسی؛ دیگر خدا را بنده نیست! می خواهد به همه دستور دهد و بین خودش و بقیه فرق بگذارد... چه اشتباه بزرگی.

هر کسی کاری را به عهده گرفت. یکی ذبح گوسفند را، روشن کردن آتش را، سومی پختن آن را. رسول الله هم عازم جمع کردن هیزم برای آتش شد. اطرافیان ناراحت شدند. مگر ما مرده ایم که پیامبر چنین کنند؟ پیامبر اعظم با یک جمله مسئله را حل کرد:

إِنَّ اللَّهَ يَكْرَهُ مِنْ عَبْدِهِ أَنْ يَرَاهُ مُتَمَيِّزًا بَيْنَ أَصْحَابِهِ
خدا دوست دارد بندهاش را در بین یارانش متفاوت نبیند.
آن وقت در اوج تواضع و آرامش عازم صحرا شد.

۱. کحل البصر فی سیره سید البشر (صلی الله علیه و آله)، ص ۱۵۹

مدرسه
Madrassa

آخرین کاخ یک ثروتمند



بای سبض

تمام تخیلت را جمع کن و انواع کاخ‌ها و هتل‌ها و هواپیماها و نفت‌کش‌ها و دلارها را کنار هم بگذار تا بتوانی بخشی از ثروت ثروتمندترین سرمایه‌دار دنیا را تصور کنی. می‌دانی که هر روز کاخ‌هایشان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود: کاخی با دریاچه و ساحلی زیبا؛ کاخی با سالن‌های مختلف ورزشی؛ کاخی با آکواریوم‌ها و باغ وحش‌های حیرت‌انگیز...

و کاخی که آخرین خانه ثروتمندترین‌ها و البته فقیرترین‌هاست ...

این عکس آن کاخی است که آخرین خانه یک ثروتمند^۱

شده است. انگار می‌خواهد آیه زیر را با تصویر به ما

بفهماند:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ^۲

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و

بازی نیست!

۱. ناصر الغرغری، شخصی که داراییش در بانکهای کویت بیش از ۱۲ میلیارد دلار بود ۳۲ نفکس در سراسر جهان داشت، یکی از بزرگترین مالکین هتل در جهاندارای سهام نیمی از شرکت مطایرات زین صاحب ۲۰ برج آسمان خراش در کویت و مالزی و فرانسه و ایتالیا و لندن و دبی!

۲. عنکبوت، ۶۴





اصول سیت

قابل توجه «آقازاده‌ها»

آقازاده بودن که بد نیست، بالاخره لطف خداست که پدرش انسان خوبی بوده است. اما حالا که پدر تو مرد بزرگی است، چرا تو باید بهره‌ای بیشتر از دیگران ببری؟ چه کسی این را گفته است؟

به همه خدمت می‌کرد. اصلاً انگار برای همین کارآمده بود. کاروان حج مسیر خود را می‌رفت و او در این مسیر جز خدمت، کار دیگری نداشت. هنوز به مکه نرسیده بودند که مرد آشنایی را دیدند. او «علی بن الحسین» را شناخت. پرسید:

چه طور حاضر شدید جسارت کنید و اجازه دهید امام سجاد خادم شما باشد؟

کاروان برآشفتم. به خواب هم نمی‌دید فرزند سیدالشهدا به خدمت آن‌ها آمده باشد.

آمدند و از امام عذر خواستند. پرسیدند: چرا چنین کردید و خود را معرفی ننمودید؟

امام پاسخ داد:

مَا أَكَلْتُ بِقَرَاتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ شَيْئًا قَطُّ!

من هرگز نان قرابت و نزدیکی خود

را با پیامبر نخورده‌ام.



۱. بهار انوار (ط - بیروت)، ج ۲۶، ص: ۴۲

مدرسه
www.madrese.com

به کافر سلام نکن!

پای نبی ص

بعضی‌ها عاشق دوستی با اهل کفرند و برای همین آن‌ها را خیلی احترام می‌کنند. اما به مسلمانان که می‌رسند حاضر نیستند حتی درست و حسابی به آن‌ها سلام کنند! درحالی‌که باید دقیقاً برعکس باشد.

ابوجهل با دار و دسته‌اش آمد پیش ابوطالب، پدر امیرالمؤمنین، و شکایت کرد که محمد ﷺ ما و خدایان ما را اذیت می‌کند؛ جلو او را بگیر. ابوطالب پیامبر را دعوت کرد. وقتی رسول الله وارد شد، دید که همه مهمان‌ها مشرک هستند. برای همین به جای این‌که به آن‌ها سلام کند، این آیه قرآن را خواند:

السَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ

سلام بر کسی که از هدایت پیروی کرد.

سپس فرمود: می‌خواهید چیزی یادتان بدهم که بر همه

عرب آقایی کنید؟ گفتند: بله. فرمود: بگویند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

عصبانی شدند، دستانشان را در گوششان فروبردند و پا به فرار گذاشتند!

۱. طه، ۳۷



روشی جالب برای معرفی پیامبر

تمام عمر به کار خودمان مشغولیم و هرچند وقت یک بار که یکی به پیامبران بی احترامی می کند، به خیابان ها می ریزیم و اعتراض می کنیم. کاش در طول زندگی به فکر معرفی صحیح پیامبران باشیم.

وقت جدایی بود. مدتی با هم سفر بودند و حالا باید خداحافظی می کردند. اما مرد مسلمان مسیر خودش را تغییر داد و اندکی دیگر همراه هم سفر خود شد. غیرمسلمان تعجب کرد: مگر نگفتی مسیرت سوی کوفه است؟ مسلمان جواب داد: چرا، اما برای خوب همراهی کردن، انسان باید هنگام خداحافظی دوست خود را اندکی دیگر همراهی کند. و سپس ادامه داد:

كَذَلِكَ أَمَرْنَا نَبِيَّنَا ۲

پیامبر ما این چنین فرمان داده است.

خوشش آمد؛ گفت: این پیامبر پیروی کردن هم دارد. سپس با مسلمان برگشت. تازه او را شناخت. وقتی دید که او امیرالمؤمنین علی ع است، اسلام آورد.





پای منبر خدا

یهود منحرف، حتی در طرز نشستن!

انگاری یهودیان از همان اول نذر کرده بودند که هر جا حرف حقی هست، منحرفش کنند و باطل را بر آن بچربانند! حالا وای به حال ما اگر مواظب این انحراف‌ها نباشیم.

دید امام صادق علیه السلام به حالت «تورک» نشسته‌اند. یعنی مثل حالت دوزانو، اما ران پای راست را روی پای چپ گذاشته‌اند. گفت: «فدایتان شوم، این نوع نشستن خیلی بد است.» حضرت اما با مهربانی پاسخ دادند: «نه، این را یهودیان می‌گویند. آن‌ها می‌گویند خدا بعد از این که آسمان و زمین را خلق کرد، روی عرش نشست تا استراحت کند! برای همین خدا این آیه را نازل فرمود:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ۗ

خداست که معبودی جز او نیست، زنده و برپادارنده است. نه خواب سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی سنگین.

بعد از آن امام در همان حال «تورک» نشست تا نشان دهد که این کار مستحب، و حرف‌ها و اعتقادات یهودیان باطل است.^۲



۱. بقره، ۲۵۵.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص: ۷۴۲



اهل سنت

پاچه خاری ممنوع!

بعضی‌ها برای این‌که
کارشان راه بیفتد، حاضرند همه
کاری بکنند و بعضی مدیران هم فقط کسانی
را تحویل می‌گیرند که اهل چاپلوسی باشند؛ این یعنی
چاپلوسی یا به زبان امروزی «پاچه خاری». چه اشتباه بزرگی!

قرار بود خلیفه به شهرشان بیاید. برای همین به سبک پادشاهان از او استقبال کردند
و تا امیرالمؤمنین رسید، شروع کردند به دویدن جلوی آن حضرت. امام ناراحت شد
و فرمود: «به خدا این کار هیچ فایده‌ای برای امیران شما ندارد و فقط شما را به مشقت
می‌اندازد و آخرتتان را خراب می‌کند.» سپس ادامه داد:

وَمَا أُخْسِرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ ۃ

چه زیان بزرگی است در سختی‌ای که بعد از آن عذاب باشد!

اشتباه نکنیم، استقبال از امام و رهبری که برخاسته از عشق مردم
و موجب عزت اسلام است، نه تنها ایراد ندارد، خیلی
هم خوب است. اما چاپلوسی‌ها و پاچه‌خاری‌های
آخرت خراب‌کن است که باید مواظب‌شان
باشیم.

۳ نهج البلاغه، کلمات فصیح، شماره ۴۷

خوشگلی‌های واقعی!



بای سبزه‌ساز

بعضی‌ها چنان آشفته و شلخته وارد مسجد می‌شوند که انگار از دهان شیر فرار کرده‌اند! مگر نمی‌دانند که مستحب است بهترین لباس را بپوشند و در اوج آراستگی و زینت وارد مسجد شوند؟ راستی، زینت فقط لباس و عطر است؟

اصرار داشت طوری از سرکار به خانه برگردد که قبل از اذان برسد و بتواند کمی به سر و وضع خود برسد و تا اذان شد، دست بچه‌ها را بگیرد و به مسجد ببرد. دیگر زبازد شده بود که او همیشه با بچه‌ها می‌آید. می‌گفتند: این‌ها را چرا می‌آوری؟ خیلی کوچک‌اند. جواب می‌داد: مگر قرآن نخوانند که می‌فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

گفتند: خب چه ربطی دارد؟ همین‌که ترو تمیز می‌آیی، خوب است دیگر. باز هم پاسخ می‌گفت: زینت را خود قرآن معرفی کرده است:

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

جواب خوبی بود. مخصوصاً که همیشه برای بچه‌هایش آب نبات می‌خرید تا شیرینی مسجد زیر زبانشان باشد.

۱. اعراف، ۳۱: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید.
۲. کهف، ۳۴: مال و فرزندان زینت زندگی دنیاست.



فحش ناموسی!

هنوز نفر اول دهانش را باز نکرده که چیزی بگوید، دومی چنان زبان به ناسزا می‌گشاید که آدم خجالت می‌کشد. بعد هم که به او اعتراض می‌کنی، می‌گوید: «اول او شروع کرد!»

چشم در چشم امام باقر علیه السلام دوخت و با کمال بی‌ادبی به جای «باقر» به امامی که باقرالعلوم یعنی «شکافنده دانش‌ها» است، گفت: «بقر»، یعنی گاو! امام اما در کمال سادگی فرمود: «نه، من بقر نیستم من باقرم» مسیحی ادامه داد: «مادر تو آشپز بود.» امام جواب داد: «آشپزی شغل او بود» این که بد نیست! مسیحی خواست حرف آخر را بزند تا دیگر امام را به خشم آورد. برای همین گفت: «مادرت سیاه و بی‌شرم و بدزبان بود.» اما امام باز هم در اوج آرامش پاسخ داد:

إِنْ كُنْتَ صَدَقْتَ غَفَرَ اللَّهُ لَهَا
وَإِنْ كُنْتَ كَذَبْتَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ

اگر راست گفتی، خدا او را ببخشد و اگر دروغ گفتی، خدا تو را ببخشد.

مسیحی مات شد. از این همه بزرگی و بزرگواری به شور آمد و مسلمان شد.



دستیار مریبان تربیتی
مسجد و مدرسه

مدرسه
ناما

Madresenama.ir